مورخان اسلام (2): نظری بمنابع تاریخی

آثاریکه در تاریخ اسلامی حکم منابع دارند هم بسیار و هم گوناگونند این آثار را باعتبار موضوع میتوان بچهار صنف جدا نمود.

1-تواریخ عمومی.

2-تواریخ خصوصی.

3-طبقات و تراجم اصول.

4-مؤلفات دربارهء مسالک.

تواریخ عمومی عبارتند از آثاری که طبق مفهوم ادوار گذشته از خلقت آدم ابتدا کرده‏ باندازه‏ای که اطلاعات عصری میسر داشته اقوام و حکومات اسلامیه را زیر نظر تحقیق در آورده‏اند آثار«ابن واضح»و«محمد بن جریر طبری»و«ابن الاثیر»در این ردیف بشمارند.تواریخ‏ خصوصی هم کتابهائی هستند که موضوع بحثشان تاریخ یکدوره یا یک سلطان و یا یکسلسله‏ و یک کشور و حتی یک شهر میباشد.از آثار قدیم که دربارهء تاریخ یکدوره تا زمان ما انتقال‏ یافته‏اند میتوان از«فتوح الشام»واقدی متوفی در سنهء 207 هجری و فتوح البلدان بلاذری‏ متوفی در 279 هجری نام برد.در میان مؤلفات دائر بتاریخ ممالک«تاریخ دمشق»ابن عساکر در 80 جلد و«تاریخ بغداد»خطیب بغدادی در 14 جلد شایان ذکرند.

اما در میان کتب حاوی طبقات و تراجم احوال آنچه از همه قدیمتر است همان«طبقات- الصحابه»محمد بن سعید متوفی در 230 هجری و«طبقات الشعرا»ابن قتیبه متوفی در 236 هجری میباشد.نخستین آنها در آلمان و دومی در لیدن چاپ شده است.دربارهء تراجم احوال‏ سایر مؤلفاتی که موضوع بحث ما خواهد بود کتب معنونه«وفیات الاعیان»و«فوات الوفیات»و «الوافی فی الوفیات»و منابع مهم دیگر مانند«الفهرست»از ابن ندیم و تراجم الحکما از ابن‏ قفطی و«عیون الانباء فی طبقات الاطبا»از ابن ابی اصیبعه و«طبقات الادبا»از عبد اللّه الانباری‏ و«طبقات الامم»از ابو القاسم صاعد بن احمد میباشند.

کتب راجعه بمسالک هم که تتبعات تاریخی رابسی تسهیل میکنند اهمیت شایان دارند قدیمترین اینگونه مؤلفات همانا«صور الاقالیم»ابو زید بلخی است که در اوائل قرن چهارم‏ هجری تألیف گردیده با«مسالک الممالک»ابو اسحق اصطخری.

در خارج از این قلمرو مؤلفات بسیاری دایر بادیان و مذاهب و سیاسیات و امور اداری‏ و حیات ادبی و اجتماعی نوشته شده که منابع تاریخی محسوبند در خصوص ادیان و مذاهب‏ کتاب«ملل و نحل»از ابو منصور عبد القاسم بن طاهر البغدادی متوفی در 429 هجری و ملل‏ و نحل از ابو المظفر طاهر بن محمد الاسفراینی و کتاب«قاضی ابو بکر محمد بن الطیب الباقلانی» و کتاب الفصل از ابن حزم الظاهری متوفی در 456 هجری و کتاب ملل و نحل از محمد بن‏ عبد الکریم شهرستانی متوفی در 548 هجری مهمترین مؤلفات بشمار میروند درباره سیاسیات‏ و اداره امور و حیات ادبی و اجتماعی«کتاب الخراج»از امام ابو یوسف و«احکام السلطانیه» از ماوردی و سیاست‏نامه از خواجه نظام الملک و«العقد الفرید»از ملک سعید و«المستطرف» از ابشیهی و کتاب الاغانی از ابو الفرج اصفهانی و«العقد الفرید»از ابن عبد ربه و کشکول از شیخ بهائی عاملی و لطائف المعارف از ثعابی و«ادب الدنیا و الدین»از ماوردی و«البیان‏ و التبیین»و«الفلاکة و المفلوکین»از جاحظ هر یک،یک منبع پرمایه محسوب میگردند.

اکنون از کهنترین کتب و مؤلفان آنها آغاز نموده از امهات آثاریکه منابع هنگفت‏ تتبعات تاریخی هستند بحث خواهیم کرد.

ابو عبد اللّه محمد بن عمر الواقدی و کتاب المغازی او

واقدی شخصیت مشهوری است از مورخین دوره نخست تاریخ اسلام که اثرش تا زمان ما انتقال یافته.پیروزیهای پر افتخار اسلامی بر عالم مسیحیت و فتوحات سوریه و عراق و مصر و افریقا در کتاب واقدی با زبانی آتشناک و قلمی مهیج نقاشی شده است.کتاب المغازی آینه‏ فداکاری‏هائی است که مجاهدین اسلام این دوره در راه عقیده بمنصه ظهور رسانیده‏اند.آنچه‏ منظور نظر واقدی است همانا بیدار کردن شور و عشقی پاینده است در قلوب دلاوران آینده‏ اسلام،لاجرم اثر واقدی انباشته است از مناقب و خوارق مهیج و پرشهامت.

واقدی در سنه 130 هجری(747 میلادی)در مدینه منوره بدنیا آمد و در جوانی بتجارت‏ گندم پرداخت لیکن او روحا نه مرد تجارت بل مرد علم و تاریخ بود از تجارت خویش هر آنچه‏ سود میبرد بیشتر از آنرا بدست سخاوت خود میبخشید و کسانی را که دست حاجت بسوی او دراز میکردند از سرمایه خود نومید باز نمیگردانید.لاجرم در کار تجارت خود پیشرفتی حاصل‏ نکرد و سرمایه خود را از دست داده محتاج فلس احمر گردید و با حال پریشان خود از مدینه‏ ببغداد مهاجرت نمود1.درین اوان آوازه تدبیر و درایت و سخا و عدالت یحیای برمکی و زیر مدبر و (1)-واقدی پس از زیان سرمایه بوضع سوزناکی دچار شده روزگار فلاکت‏باری گذرانید. مسعودی از زبان خود مورخ چنین نقل میکند:«دو دوست صمیمی داشتم یکی از آندو منسوب‏ بقبیله بنی هاشم بود مودت میان من و آندو چنان نزدیک بود که کسانیکه ما را میدیدند یک روح در چند قالب میپنداشتند.در ازمنه فلاکت من بود که ماه رمضان هم فرا رسید در حالیکه یک پول در جیب‏ خود نداشتم زنم گفت ما میتوانیم بر نومیدی و بی‏چیزی شکیبا باشیم اما نومیدی و مستمندی محتشم عباسی همه‏جا پیچیده بود یحیی که در شناختن ارزش مردمان سرآمد روزگار خود بود بزودی بر فضل و دانش واقدی پی برد و او را چنان مستغرق عطا و سخاوت خود کرد که از همه‏ جهت بی‏نیاز گشت علاوه بر این و یرابقاضیگری محلات غربی دارالخلافه یعنی بغداد واداشت.

«م.هـ»

فرزندان بدبخت ما جگرم را آتش میزند فردا که روز عید است کودکان همسایه جامه‏های نو و زیبا خواهند پوشید کودکان من جز جامه‏های کهنه و پاره یزی بتن ندارند ایشانرا نگریسته‏ اندوهگین خواهند شد.آیا کسی یا دوستی نداری که مختصر کمکی از او بگیری تا اندازه‏ای بتوانیم‏ کودکانرا دلشاد کنیم بدین‏سبب کاغذی بدوست خود منسوب ببنی هاشم نوشته وضع خود را شرح دادم و طلب کمک نمودم.دوست من با شتاب تمام یک کیسه سر بمهر برایم فرستاده نوشت که این کیسه محتو هزار درهم است.هنوز سر کیسه را نگشوده بودم که از دوست دوم من نامه فرا رسید او هم کمک نقدی‏ خواسته بود سر کیسه را همچنان باز نکرده برایش فرستادم نمیتوانستم دیگر آن شب بخانه بروم‏ ناچار بمسجد جامع رفتم و شب را در آنجا گذرانیدم فردا صبح بخانه در آمدم زنم مرا ازین حرکت‏ هرگز سرزنش ننمود بالعکس بسیار تحسین گفت در این اثنا در زده شد و دوست بنی هاشمی من‏ با کیسه معهود در دست داخل گردید کیسه همانطور سر بمهر بود.دوستم از من پرسید کیسه‏ای‏ که برای تو فرستادم چه کردی؟من آنچه گذشته بود باز گفتم سپس رو بمن کرده گفت نامه شما که بمن رسید بجز همین کیسه پول نداشتم آنرا برای شما فرستادم بدوست دیگر خود نامه نوشته‏ از او پول خواستم او هم همین کیسه را سر بمهر باز فرستاد بنا بر همین گفتگو پول درون کیسه را در میان سه تن دوست به قسمت جداگانه بخش کردیم اما پیش ازین تقسیم دوست بنی هاشم‏ برای خانواده من صد دینار طلا دیگر کنار نهاده بود.